

# تاریخ صد ساله‌ی جنبش‌های سوسیالیستی و کارگری و کمونیستی ایران

۱۳۸۶-۱۲۸۴

از انقلاب مشروطیت ۱۲۸۴ تا انقلاب ۱۳۵۷

نویسنده: یونس پارسا بناب  
ویراستار: ساسان دانش

شرایط فلاکت بار و زندگی سخت ایرانیان مهاجر که پس از طی صدها کیلومتر با پای پیاده می‌بایست از دسترنج ناچیز خود تکه نانی را هم پس انداز کنند و برای خانواده‌ی چشم‌براه خود در نقاط مختلف ایران بفرستند. یافتن کار به قدری وخیم بود که کارگران به هر کاری تحت هر شرایطی تن می‌دادند و بدین جهت مورد استثمار و سواستفاده‌ی کارفرمایان قرار می‌گرفتند. از جمله به هنگام استخدام کارگران ایران از آنان می‌خواستند که به قرآن قسم یاد کنند که به عضویت هیچ اتحادیه و حزبی در نیایند و در اعتصابات کارگری در آن مناطق شرکت نجویند و در صورت لزوم به عنوان اعتصاب شکن نیز علیه کارگران روسیه وارد عمل شوند. رهبران جنبش کارگری روسیه برای مقابله با چنین ترفندهای بورژوازی روسیه در اوایل قرن بیستم تصمیم گرفتند که با حمایت از روشنفکران ایرانی ساکن آن مناطق به ایجاد اولین نطفه‌های اتحادیه کارگری ایران و سپس شاخه‌ی سوسیال دمکرات‌های ایران (فرقه‌ی اجتماعيون - عاميون) بپردازند. بدین طریق با گسیل بعضی از این کارگران همراه با تعدادی از ایرانیان روشنفکر به ایران، سیر تکاملی ایجاد هسته‌های اولیه‌ی اتحادیه‌های کارگری و پیوند آنها با جنبش سوسیال دموکراسی انقلابی در بحبوحه‌ی انقلاب مشروطیت آغاز گشت.<sup>۱</sup>

در تابستان ۱۲۸۵ خورشیدی (۱۹۰۶ میلادی) کارگران شیلات سواحل دریای خزر در حمایت از انقلاب مشروطیت دست به اعتصاب زدند. در آبان ماه همان سال این اعتراض‌ها گسترش یافت و بیشتر کارگران شیلات ایرانی و روسی در آن شرکت کردند. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد اعتصاب کارگران شیلات اولین اعتصاب کارگری به معنی مدرن آن در تاریخ معاصر ایران است.

همچنین در سال ۱۲۸۵ خورشیدی (۱۹۰۶ میلادی) کارگران نانوائی‌های شهر رشت با حمایت مجاهدین رشت برای بهبود وضع خود اعلان اعتصاب کردند. در بهمن ۱۲۸۵ کارگران چرم‌سازی-

های تهران نامه‌ای به مجلس اول نوشته و اعلام کردند که در صورت پذیرفته نشدن خواسته‌هایشان اعتصاب خواهند کرد. در اسفند ماه همان سال کارگران تلگراف خانه تهران نیز دست به اعتصاب زدند.

در تیرماه ۱۲۸۶ خورشیدی (۱۹۰۷ میلادی) هنگامی که محمد علیشاه با حمایت شیخ فضل الله نوری و امرای نیروی قزاق روس روزنامه‌های مترقی "حبل‌المتین" و "صور اسرافیل" را توقیف ساخت، کارگران چاپخانه‌های تهران که در "اتحادیه کارگران چاپخانه‌ها" (اولین تشکل کارگری در ایران) عضویت داشتند همگی اعتصاب چهار روزه اعلام کردند. این اعتصاب، که در راه مبارزه برای آزادی مطبوعات انجام پذیرفت و کاملاً جنبه‌ی سیاسی داشت، داری اهمیت بسزایی در تاریخ جنبش کارگران ایرانی است. این حرکت اعتراضی علیه رژیم از طرف کارگران اولین اعتصاب کارگری در تاریخ ایران است که توسط یک اتحادیه‌ی کاملاً متشکل و سازمان یافته هدایت می‌شد. با اینکه این اتحادیه بیشتر از دو سال دوام نیاورد و بعد از کودتای محمدعلیشاه سرکوب گشت و رهبر آن محمد پروانه در دوران "استبداد صغیر" متواری شد ولی بقایای این تشکل سال‌ها بعد تحت رهبری محمد دهگان در سال ۱۲۹۸ خورشیدی (۱۹۱۷ میلادی) موفق به سازماندهی کارگران چاپخانه‌ها شد و سپس در نبرد علیه عروج رضاخان به اوج دیکتاتوری نقش بزرگی ایفا کرد.

اوایل دی ماه ۱۲۸۵ کارگران و کارمندان واگن‌های تهران با هماهنگی اتحادیه‌ی خود دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند. این اعتصاب، ۱۲ روز به طول انجامید و موجب پیروزی کارگران که خواستار اعلام علت اخراج همکاران خود و بهبود شرایط کار و زندگی بودند، شد. در تاریخ ششم آبان ۱۲۸۷ در بحبوحه‌ی انقلاب مشروطیت در سه کارخانه‌ی چرم‌سازی تبریز که در مجموع دارای ۱۵۰ نفر کارگر بودند، اعتصاب شد. در تاریخ نهم آبان ۱۲۸۷ بعد از سه روز این اعتصاب به نفع کارگران پایان یافت و مزد آنها اضافه شد و کارفرما قبول کرد که کارگران اعتصابی را از کارخانه اخراج ننماید.

همچنان که پیداست، اعتصابات در دوری اول مشروطیت در روندی پویا تشکل‌های کارگران را به طور فراگیر زمینه ساز شد. در عین حال طبقه‌ی کارگر با تشکیل اتحادیه‌های خود سلاح اعتصاب را همه جانبه و به طور مؤثر به کار گرفت، شایان توجه است که در این دوره که دوره‌ی اوج گیری مبارزات مردم در راه کسب مشروطیت و آزادی است اتحادیه‌های کارگری از یک سو در میدان عمل سیاسی به ناچار آبدیده و رادیکالیزه گشتند و از سوی دیگر همین اتحادیه‌ها و تشکل‌ها در به ثمر رساندن مبارزات مردم و انقلاب مشروطیت تحت رهبری فرقه‌ی اجتماعيون - عاميون مؤثر واقع شد.

با اینکه تشکل‌های کارگری در یک دوره‌ی زمانی معین پس از شکست انقلاب مشروطیت با افول روبرو گشتند، ولی این دوره‌ی آرامش و سکون با پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و اوج گیری جنبش



های رهایی بخش در ایالات شمال ایران در دوره ۱۳۰۰ - ۱۲۹۶ خورشیدی به پایان رسید و جنبش کارگری دوباره جان تازه یافت و با همه‌ی توان خویش روند رو به رشد خود را آغاز کرد. تحولات فراگیر و ژرف در جنبش کارگری که از سال ۱۲۹۶ آغاز گشت در بخش‌های بعدی این نوشتار به تفصیل مورد بحث قرار خواهد گرفت. ما در اینجا به بررسی تاریخی‌چهره‌ی شکل‌گیری و رشد شوراهای زنان و سپس انجمن‌های ملی و نقش آنها در دوره‌ی اول مشروطیت (۱۲۸۷-۱۲۸۴ خورشیدی) که به طور عمده تحت نظارت و گاهی تحت رهبری مستقیم و غیر مستقیم فرقه‌ی اجتماعيون - عاميون بودند، می‌پردازیم.

### انجمن‌ها و شوراهای زنان همسو با اجتماعيون - عاميون

تا آنجا که اطلاع داریم اولین سازمان‌های متعلق به زنان در ایران در دوره‌ی اول مشروطیت (۱۲۸۷-۱۲۸۰ خورشیدی) به وجود آمدند. ولی پیشینه‌ی مبارزات زنان ایران علیه نظام مردسالاری و ستم بر زنان، نزدیک به دوپست سال سابقه دارد. در سال ۱۱۸۶ خورشیدی (۱۸۰۷ میلادی) زنی معروف به "بانو نوری جهان" به درخواست زنان همفکر خود کتاب "نجات المسلمات" را پیرامون مسائل و آداب ویژه‌ی زنان نوشت که طبق نظر مورخین نخستین کتاب در باره‌ی زنان ایران محسوب می‌شود. در سال ۱۳۰۵ خورشیدی و در بحبوحه‌ی جنگهای ایران و روسیه تزاری پس از کوچ دادن و بازگرداندن اجباری زنان گرجی ساکن ایران به خاک روسیه، در شهر تهران، زنان همراه مردان در اعتراض به این امر به سفارت روسیه حمله کرده و آن را تخریب کردند. در آغاز دهه‌ی ۱۲۳۰ (۱۸۵۰ میلادی) زنان در تظاهراتی که در دفاع از امیرکبیر (که از طرف ناصرالدین شاه از مقام صدراعظمی خلع و سپس تبعید گشته بود) برپا شده بود، شرکت فعال داشتند.

در عصر استبداد ناصری که نزدیک به نیم قرن (از ۱۲۳۷ تا ۱۳۷۵ خورشیدی) طول کشید، زنان به طور دائم در تظاهرات و شورش‌های متعدد پیرامون مسأله‌ی نان و قحطی علیه نظام شاهی و محترکین غله و نان شرکت داشتند. به طور نمونه عصیان زنان در قحطی سال ۱۲۳۹ خورشیدی (۱۸۶۰ میلادی) ناصرالدین شاه را مجبور ساخت که کلانتر تهران را به دار آویخته و بهای نان را کاهش دهد.<sup>۲</sup> مبارزات زنان در عهد ناصری فقط محدود به اعتراض‌ها و شورش‌های خیابانی پیرامون قحطی و کمبود نان، غله و گوشت نبود. بلکه مدارک تاریخی نشان می‌دهد که خیلی از زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نیز به مبارزه علیه استبداد ناطری دست می‌زدند. یکی از این زنان طاهره قره‌العین (۱۸۱۷-۱۸۵۲ میلادی) بود. قره‌العین که شاعری آزادیخواه و صاحب قلم بود، در عنفوان جوانی بعد از تحصیل و تفحص در فلسفه و کلام به مرام شیخیه گروید و سال‌ها "از پس پرده" به تدریس فلسفه و کلام پرداخت. پس از "ظهور" سید علی محمد باب در شیراز، قره‌العین به یکی از یاران نزدیک باب تبدیل شد و از آن پس به تبلیغ آئین باب پرداخت. قره‌العین که به خاطر فعالیت‌هایش از طرف سید باب به لقب طاهره معروف گشت، به طور مداوم به

مبارزه علیه ستم و استبداد ناصری ادامه داد و در سال ۱۸۵۰ میلادی در شاهرود در انجمنی که به تازگی دایر گشته بود بدون حجاب ("بی پرده") حضور یافت و برای پیروان باب سخنرانی کرد. شهامت و جسارت طاهره که موجب اعجاب و شگفت حاضران گشت، خیلی از بابی‌های متعصب و محافظه کار را علیه او برانگیخت. ولی طاهره به تبلیغ خود پیرامون "برداشتن حجاب" و شرکت زنان در امور اجتماعی و فرهنگی ادامه داد

قره‌العین در آخرین سال‌های عمر خود در عملیات نظامی و سیاسی نیز شرکت جست و در سال ۱۸۵۲ میلادی (۱۲۳۱ خورشیدی) به اتهام شرکت فعال در قیام بابیان زنجان و سپس شرکت در ترور نافرجام ناصرالدین شاه دستگیر شد. پس از قتل عام بابیان و کشتن باب، طاهره را از قزوین به تهران آوردند و در باغ محمودخان (کلانتر تهران) در یک "بالاخانه‌ی بی پله" محبوس ساختند. در آخر سال ۱۸۵۲ طاهره را که ۳۶ سال بیشتر نداشت، به دستور ناصرالدین شاه و وزیرش میرزا آقاخان نوری، در باغ ایلخانی (که مدتی بعد به ساختمان بانک ملی تبدیل شد) "خفه" کردند.<sup>۳</sup> قره‌العین از جمله زنان آزاده و وارسته‌ای بود که در شتاب حرکت آزادی و رهایی زن از قید و بندهای اجتماعی و سنت‌های پوسیده‌ی مذهبی نقش بسزایی داشت. بدون تردید آرمان طلبی و برابری طلبی اجتماعی او با فروریختن باورهای حاکم بر جامعه‌ی آن زمان ایران نه تنها نشانه‌ی جسارت و پاکدلی او، بلکه رشد مبارزاتی زنان در راه احقاق حقوق و شرکت فعال در روابط اجتماعی و امور فرهنگی آن دوره از تاریخ ایران حکایت می‌کند.



ناصرالدین شاه قاجار



با اینکه استبداد ناصری قره‌العین را خفه کرد ولی مبارزات زنان علیه نظام همچنان ادامه یافت. به طور نمونه، پس از اعطای انحصار تجارت دخانیات به شرکت انگلیسی (قرارداد رژی)، زنان در مبارزات علیه این قرارداد که به جنبش ضد تنباکو معروف شد، به طور گسترده شرکت کردند. مخالفت و قیام‌های پیاپی در نهایت به شورش ۱۴ دی ۱۲۷۰ خورشیدی (۱۸۹۱) در تهران انجامید، در این شورش زنان پیشاپیش مردان به ارک سلطنتی هجوم بردند. به خاطر خصلت فراگیر این شورش‌ها، سرانجام ناصرالدین ناچار شد تا قرارداد انحصاری را در ۱۶ دی ۱۲۷۰ خورشیدی به طور رسمی لغو کند.

در آخرین سال‌های استبداد ناصری (۱۲۷۵ - ۱۲۷۱ خورشیدی) زنان در انتشار و تکثیر و پخش "شبنامه"ها در شهرهای مختلف ایران نقش بزرگی داشتند. بدون تردید شرکت زنان در مبارزات علیه استبداد و نفوذ استعمار در بحبوحه‌ی انقلاب مشروطیت که از اوایل پائیز سال ۱۲۸۴ در شهرهای ایران شروع شده بود، شدت یافت. در ۲۲ آذر ۱۲۸۴ خورشیدی، زنان در حمایت از بست نشینان حرم عبدالعظیم، سربازان را سنگ باران کردند و درگیری مردم در روز ۲۴ آذر ۱۲۸۴ به ساختمان در حال ساخت بانک استقراضی روسیه تزاری در تهران، زنان یک سوم جمعیت را تشکیل می‌دادند.

پس از پیروزی انقلاب مشروطیت، مبارزات زنان به خاطر تأسیس شوراها و دیگر سازمان‌های متعلق به زنان با مشورت و حمایت تنها حزب منسجم و مدرن اجتماعیون - عامیون وارد مرحله‌ی جدیدی از تاریخ خود شد.

شوراها و دیگر سازمان‌های زنان که در دوره‌ی اول انقلاب مشروطیت در ایران در دفاع از انقلاب مشروطیت و احقاق حق برابری و رفع ستم بر زنان به وجود آمدند متنوع و بی‌شمار بودند ولی به خاطر غلبه‌ی خرافات مذهبی در بافت جامعه‌ی ایران از یک سو و تسلط رژیم استبداد از سوی دیگر، هویت و وجود آنان برای سال‌های مدید از نظر مردم ایران پنهان نگاه داشته شدند. نویسندگان بزرگ و مورخین شاخص مشروطیت مانند کسروی، ملک زاده، آدمیت، نظام مافی، محیط مافی، ناظم الاسلام کرمانی، صفائی، دولت آبادی، رضوانی و دیگران نیز با اینکه به این انجمن‌ها

شوراها در آثار خود اشاره‌هایی کردند ولی یا به خاطر جو حاکم و یا به خاطر کمبود دانش خود نتوانستند در معرفی این شوراها و انقلابی و زنان مبارز و پیگیر نقشی در خور شایسته‌ی خود انجام دهند. ولی در چهل سال اخیر (۱۳۴۴-۱۳۸۴) مورخین و نویسندگان برجسته‌ای همچون: سیما بهار، فرح آذری، پری شیخ الاسلامی، فخری قویمی، هما ناطق، عبدالحسین ناهید، بدرالملوک بامداد و منصوره نظام مافی اطلاعات مفید و جامعی در باره‌ی اهداف انقلابی و کم و کیف تشکیلاتی شوراها و زنان دوره‌ی اول مشروطیت را در اختیار دانشجویان تاریخ سیاسی ایران قرار دادند.<sup>۴</sup> مهم‌ترین شوراها و انجمن‌های زنان در دوره‌ی اول مشروطیت:

(۱۲۸۵-۱۲۸۷ خورشیدی) عبارت بودند از:

- "انجمن آزادی زنان"، در ۱۹۰۶ (۱۲۸۵ خورشیدی)
- "اتحادیه غیبی نسوان"، در ۱۹۰۷
- "انجمن حریت زنان"، در ۱۹۰۷
- "انجمن نسوان"، در ۱۹۰۸

"انجمن آزادی زنان" یکی از قدیمی‌ترین سازمان‌های سیاسی زنان در ایران است که در سال ۱۹۰۶ در تهران تأسیس شد و یکی از انسان‌های ارجمند و انقلابی این انجمن تاج السلطنه قاجار، دختر ناصرالدین شاه بود که بررسی کتاب خاطرات او نشان می‌دهد که او شاید اولین زن فمینیست - سوسیالیست تاریخ ایران بوده است. از فعالین دیگر این انجمن باید از افتخار السلطنه، خواهر تاج السلطنه، صدیقه دولت آبادی و شمس الملوک جواهر کلام (که هر دو در دهه‌ی ۱۳۰۰ خورشیدی نقش مهمی در تاریخ معاصر مبارزات زنان ایران داشتند) نام برد.

نزدیک به یک ماه و نیم پس از امضای فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه قاجار در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵، تعدادی از زنان فعال در همین انجمن‌ها در میدان بهارستان تهران گرد آمده و خواستار تدوین فوری متمم قانون اساسی شدند. ۱۲ روز بعد در ۲۶ مرداد همان سال زنان فعال یکی از بدنام‌ترین محتکرین تهران را پس از دستگیری و محاکمه در میدان توپخانه به دار آویختند.

در آغاز مهرماه ۱۲۸۵، اتحادیه غیبی نسوان پس از یک سال مبارزه و افشاگری طی پیامی از نمایندگان مجلس مجدانه خواستند که هرچه زودتر به خواست زنان متمم قانون اساسی را به نفع زنان تدوین کنند و اگر قادر نیستند بهتر است که استعفا داده و زمام امور را به دست زنان بسپارند. به خاطر اعتراض پیگیر و روزمره‌ی زنان، مجلس اول متمم قانون اساسی را در مورد هفت اصل متمم در روز ۱۵ مهر ۱۲۸۶ به تصویب اکثریت رساند.

انجمن حریت زنان که توسط صدیقه دولت آبادی و شش نفر از یاران او در ۹ دیماه ۱۲۸۶ تشکیل یافته بود، طی یک گردهمایی، قطعنامه‌ی ۱۰ ماده‌ای از خواسته‌های خود را بیان کرده و از مجلس و دولت درخواست کردند که مدارس دخترانه تأسیس شود. با اینکه بیشترین انجمن‌ها در تهران فعالیت داشتند ولی در شهرهای دیگر ایران و خارج از ایران نیز زنان در این دوره در راه احقاق حق آزادی‌های دموکراتیک و برابری متشکل شده و علیه



طاهره قره العین

"انجمن" زنان با لباس مردانه در محله‌های مختلف تبریز در مقابل ضد انقلاب به نبرد برخاسته و در روستاهای حومه‌ی تبریز بودند. طبق گزارش "حبل‌المتین" و پری شیخ الاسلامی در کتاب "زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایرانی" (چاپ ۱۳۶۲، تهران) در یکی از نبردهای خیابانی تبریز بیست زن که به لباس

مردان ملبس بودند در میان کشته شدگان پیدا شدند. کریم طاهرزاده بهزاد، یکی از شرکت‌کنندگان در جنگ تبریز در کتاب معروف خود، "قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت"، نوشت وقتی که از یک سرباز زخمی خواستند که برای معالجه لباس‌هایش را از تن خود درآورد سرباز زخمی حاضر نشد که ستارخان مجبور به مداخله گشت، وقتی که ستارخان متوجه شد که علت عدم همکاری سرباز این است که او زن است، با همه‌ی وجودش تحت تأثیر قرار گرفت. سرانجام به طور کلی می‌توان گفت که زنان در دوره‌ی نبرد تبریز و انقلاب مشروطیت، با شهامت و بردباری حماسه‌ها آفریده و خدمات بی نظیری به جنبش مردم ایران نمودند.<sup>۶</sup>

پس از پیروزی مشروطه طلبان و تبعید محمد علیشاه و آغاز دوره‌ی دوم مشروطیت در ۱۲۸۸ (۱۹۰۹ میلادی) فعالیت زنان بیشتر از پیش فراگیر و چشمگیر گشت. در دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی، زنان در "انجمن خوانین وطن" و دیگر انجمن‌ها و شوراهای برنامه‌ی دولت و نمایندگان مجلس که می‌خواستند وام‌های سنگین از روسیه و انگلستان بگیرند، شدیداً به مخالفت برخاستند و جلسه‌های متعددی برای بحث و مناظره در مورد مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی برپا کردند. بی‌بی وزیراف مدیر مدرسه‌ی ابتدایی دختران در نشست‌های سیاسی مختلفی که در خانه‌ی خود برپا می‌کرد از شرکت‌کنندگان با صرف چایی و قلیان پذیرایی می‌کرد. در دوره‌ی دوم مشروطیت تعداد بی‌شماری از انجمن‌ها و شوراهای زنان در سراسر ایران تأسیس یافتند که معروف‌ترین آنها انجمن نسوان ایران بود.

"انجمن نسوان ایران" در سال ۱۹۱۰ در تهران، توسط شصت نفر از زنان فعال و متخصص تشکیل شد. این انجمن، اخذ وام خارجی و خرید کالاهای خارجی را بایکوت کرد و در ایجاد مدارس دخترانه، مدارس اکابر و یتیم‌خانه‌ها گام‌های مؤثری برداشت.<sup>۷</sup> انجمن‌ها و شوراهای زنان در دوره‌ی دوم مشروطیت روابط تنگاتنگی با یکدیگر داشتند و در بیشتر تظاهرات و اعتراض‌ها علیه نفوذ دولت‌های خارجی در امور ایران و حمایت از آزادی‌های ملی و دموکراتیک همکاری نزدیک داشتند.

تاریک اندیشی، "سنن مضر" به مبارزه روی آوردند. معروف‌ترین آنها عبارت بودند از: "شوراهای زنان" (نیمه مخفی)، در تبریز در سال ۱۹۰۷، "هیأت زنان اصفهان" انجمن خیریه‌های نسوان ایرانیان مقیم استانبول و "انجمن زنان ایران" در عشق‌آباد، به رهبری شاعره‌ی بزرگ شمس کسمائی، در سال ۱۹۰۹.<sup>۵</sup>

مبارزات زنان در دوره‌ی اول انقلاب مشروطیت ۱۲۸۵-۱۲۸۷ به خاطر سازماندهی زنان و حمایت سوسیال - دمکرات‌های ایران از انجمن‌ها و شوراهای زنان وارد مرحله‌ی جدیدی گشت. در آغاز بهار ۱۲۸۷ خورشیدی (۱۹۰۸ میلادی) زنان به رهبری انجمن ملی (دوره‌ی اول) خواستار به رسمیت شناختن حق تشکیل تشکل‌های زنان، افتتاح دبستان‌ها و دبیرستان‌های دخترانه در سراسر کشور شدند. تظاهرات چند صد نفری زنان در مقابل ساختمان مجلس به نفع لایحه و در اعتراض به اقدامات مستبدانه‌ی محمد علیشاه علیه مجلس، نیروهای ضد مشروطه به ویژه علمای طرفدار مشروطه را به هراس انداخت.

دشمن شماره یک زنان و شوراهای زنان شیخ فضل‌الله نوری، رهبر بلامنازع جناح محافظه‌کار و سنت‌گرای علمای مذهبی بود. فتوای نوری علیه مدارس دخترانه و حقوق زنان موجب واکنش شدید در میان زنان مبارز علیه نوری و دیگر علمای محافظه‌کار مانند سید علی شوشتری شد. شکایت‌ها و اعتراض‌ها و دیگر فعالیت‌های زنان آزادیخواه علیه نوری به طور چشمگیر و گسترده در مطبوعات دوره‌ی اول انقلاب ۱۹۰۶-۱۹۰۸ به ویژه در "مساوات"، "حبل‌المتین"، "صوراسرافیل" و "ندای وطن" منعکس گشتند و بدون شک در بی‌اعتبار ساختن و افشای هویت زن ستیزی و ماهیت استبدادی و ضد مشروطه طلبی نوری در افکار عمومی نقش بسزایی داشتند.

انتقادهای کوبنده‌ی زنان فعال در این دوره فقط متوجه علمای محافظه‌کار سنت‌گرا نبود. آنها همچنین به بی‌عملی و عدم وجود یک برنامه برای پیشرفت و رفاه اجتماعی در مجلس شورای ملی دوری اول نیز پرداختند و از نمایندگان مجلس که بیشتر آنها مخالف آزادی زنان بودند شدیداً انتقاد کردند. ولی در همین دوره مردانی نیز بودند که هم در مجلس و هم در مطبوعات از آزادی زنان، تاسیس مدارس دخترانه و گسترش شوراهای زنان حمایت کردند و یا دستکم وجود آنها را تحمل کردند. از نمایندگان مجلس اول که از حقوق و خواسته‌های زنان دفاع کردند، می‌توان از وکیل‌الرعیای، نماینده‌ی همدان و تقی زاده، نماینده‌ی تبریز نام برد. ولی زنان فعال ورهبران شوراهای زنان از انتقادهای خود دست برنداشتند و پس از کودتای محمد علیشاه در تیر ۱۲۸۷ خورشیدی (ژوئن ۱۹۰۸ میلادی) و بمباران مجلس (که مقاومت و مبارزه علیه استبداد و ارتجاع به تبریز منتقل شد)، زنان نیز گروه گروه به تبریز عزیمت کرده و در آنجا به انجمن تبریز، مرکز غیبی، ستارخان و مجاهدین پیوستند.

در محاصره‌ی شهر تبریز توسط قوای محمد علیشاه و روس‌های تزاری که ده ماه طول کشید، به استناد شماره‌های مختلف نشریه‌ی

خاطرات خود بر مسائلی تاکید و بحث می‌کند که تا آن زمان تابو محسوب می‌شد، به روشنی موضع گرفته و زنان را به مبارزه علیه ازدواج "مصلحتی" و حجاب، فحشا، ازدواج‌های بدون عشق و حق طلاق یک طرفه (برای مردان) فراخوانده است.



احمد کسروی

عصمت تهرانی، که در دوره‌ی دوم انقلاب مشروطیت به طور مرتب تحت نام مستعار "طیره" در نشریه "ایران نو" مقالاتی در باره‌ی حقوق زنان می‌نوشت، نیز از زنان مبارز و فعال این دوره محسوب می‌گردد. او در این مقالات پیوسته خاطر نشان می‌سازد که زنان تحصیل‌کرده و روشنفکر می‌توانند نقش کلیدی در پیشرفت مشروطیت و جامعه مدرن داشته باشند. طیره در این مقالات شدیداً علیه چند همسری یا تعدد زوجات موضع گرفته و "برتری" و "هوشمندی" مردان را در مقایسه با زنان به چالش طلبید.

از دیگر زنان فعال این دوره که در راه مبارزه برای زنان جانفشانی‌ها کرد و بدینگونه به کل جنبش تجددطلبی و مشروطه خواهی خدمات شایانی نمود، دکتر کحال مدیر نشریه‌ی معروف "دانش" مخصوص زنان بود.

انجمن‌های زنان در این دوره، فعالیت خود را محدود به حقوق زنان نکرده بلکه در مسائل سیاسی روز نیز به طور جدی دخالت داشتند. در ۱۹ نوامبر ۱۹۱۱ دولت روسیه‌ی تزاری با رضایت و حمایت دولت امپراطوری انگلستان طی یک اولتیماتوم نظامی از مجلس دوم ایران خواست که "مورگان شوستر" را در عرض چهل و هشت ساعت از ایران اخراج سازد. شوستر مسئول مشاور مالی مدبری بود که از طرف دمکرات‌ها برای اصلاحات مالی و خزانه داری ایران استخدام شده بود. شوستر که در ضمن مسئول اخذ مالیات از تجار ثروتمند و زمین داران بزرگ بود شدیداً با مداخلات دولت‌های روسیه و انگلستان به نفع این طبقات در امور داخلی ایران مخالفت می‌کرد.

برخی از زنان مشهور این دوره که در انجمن‌ها و شوراهای فعالیت‌های گسترده و فراگیر داشتند عبارت بودند از:

- صدیقه دولت آبادی، ناشر نشریه‌ی "زبان زنان"
- محترم اسکندری، یکی از زنان سوسیالیست در دوره‌ی مشروطیت
- هما محمودی، شاعر و نویسنده‌ی فمینیست و یکی از سازماندهان تظاهرات دلاورانه و تاریخی زنان در مقابل ساختمان مجلس در آذر و دی ماه ۱۲۹۰ خورشیدی (دسامبر ۱۹۱۱)
- شمس الملوک جواهر کلام، نویسنده، یکی از فعالان جنبش زنان و معلم تاریخ ایران
- بی بی وزیراوف، مؤسس "دبستان ابتدایی دوشیزگان"، در تهران، در سال ۱۹۰۷
- طوبا آرموده، مدیر مدرسه‌ی "ناموس"، در سال ۱۹۰۷
- درت المعالی، یکی از فعالان انقلابی و ضد امپریالیست، در جریان مذاکرات دول روس و انگلیس برای تجزیه ایران، در سال ۱۹۰۷،
- صفیه یزدی، مؤسس "مدرسه دخترانه" در سال ۱۹۱۰ و یکی از فمینیست‌های شاخص
- ماهرخ گوهرشناس، مؤسس "مدرسه دخترانه ترقی"، در سال ۱۹۱۱ و مبلغ آزادی و برابری زنان

در این دوره زنان با تشکیل کنفرانس‌ها و حتا اجرای نمایشنامه‌ها، اقدام به ایجاد امکانات مالی کرده و آن را در خدمت جنبش زنان قرار دادند. در بهار سال ۱۲۸۹ خورشیدی (۱۹۱۰ میلادی) نزدیک به ۵۰۰ نفر زن با حضور و شرکت خود در یک نمایش تئاتری و فروش بلیت‌های صدریالی موفق شدند که با جمع آوری پول برای دختران یتیم، یک مدرسه‌ی اکابر و یک کلینیک زنانه دایر کنند. این نمایش تئاتری که در باغ اتابک برگزار گردید، توسط انجمن خوانین وطن اجرا شد. در سال‌های ۱۲۸۹-۱۲۹۰ برنامه‌های مختلف فرهنگی در تهران و تبریز توسط زنان اجرا گردید که در نوع خود بی نظیر بودند. یکی از این برنامه‌های فرهنگی توسط زنان ارمنی ایران تهیه و اجرا شد که از هواداران سوسیال دمکرات‌های ایران بودند، نویسنده و کارگردان آن گریگور یکیکیان بود که همسرش استوریک یکیکیان معروفترین هنرپیشه زن این دوره از تاریخ ایران محسوب می‌گردد.<sup>۸</sup>

یکی دیگر از زنان فعال و فمینیست ایران در این دوره "بیان‌اف" از اعضای اصلی انجمن مجاهدین تبریز بود. او نه تنها در بین زنان تهیدست شهری و دهقانان روستاهای تبریز فعالیت می‌کرد بلکه با ارتباط از طریق مکاتبه از زنان ثروتمند و اریستوکرات نیز دعوت می‌کرد که به جنبش زنان دوره‌ی مشروطیت بپیوندند. شاهزاده تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه تحت تأثیر مکاتبات "بیان‌اف" به صحنه‌ی مبارزه کشیده شد و در این زمان به یکی از عناصر فعال "انجمن آزادی نسوان" تبدیل گشت. به نظر نگارنده، تاج السلطنه اولین زن فمینیست ایران است که در

پس از علنی شدن اولتیماتوم روسیه، جنبش زنان فعال ایران در شهرهای اصفهان، قزوین و تبریز به حرکت درآمد و علیه قدرت-های خارجی بسیج شدند. در تهران، زنان عضو انجمن‌ها و شوراهای موفق شدند که با بسیج ۵۰۰ نفر اعتصاب بزرگی را تدارک ببینند. در این نمایش بزرگ هزاران زن کفن‌پوش، خواست و تعهد خود را برای جنگ علیه نیروهای خارجی اعلام کردند. "انجمن خواتین وطن" با تظاهرات چشمگیر خود در اول دسامبر ۱۹۱۱ در مقابل مجلس شورای ملی همراه با سخنرانی‌های مهیج از نمایندگان مجلس خواست که در مقابل اولتیماتوم مقاومت کنند. زینب امین از اعضای بنیان گذار "انجمن خواتین وطن" و معلم مدرسه‌ی دخترانه‌ی شاه آباد بعضی از اشعار خود را که در دفاع از حقوق مردم ایران در مقابل تجاوز نیروهای خارجی سروده بود برای شرکت کنندگان قرائت کرد. تظاهرات وسیع به رهبری انجمن‌های زنان علیه دخالت‌های روسیه و انگلستان در امور داخلی ایران و اعتصابات منظم و بایکوت‌های متوالی علیه محصولات و کالاهای خارجی در سراسر ماه دسامبر سال ۱۹۱۱ ادامه یافت.

فعالیت‌های اعتراضی زنان فقط به تهران محدود نمی‌شد، در اواسط دسامبر ۱۹۱۱، "هیأت نسوان قزوین" و "هیأت نسوان اصفهان" از انجمن‌ها و از دولت خواستند که زنان را برای "مبارزه مسلحانه" علیه قوای نظامی روسیه که قزوین را اشغال کرده بودند، مسلح سازند. رهبری "هیأت نسوان اصفهان" در اعلامیه‌ی خود خاطر نشان ساخت که "زنان نیز می‌توانند در جهاد شرکت کنند به ویژه زمانی که مردها به خاطر فقدان شجاعت دچار بی‌عملی شده‌اند."

با اینکه مبارزات گسترده‌ی زنان دوره‌ی دوم مشروطیت، در اواخر روزهای دسامبر ۱۹۱۱ در نتیجه‌ی اولتیماتوم روس‌ها و مداخله‌ی نظامی مشترک روسیه و انگلستان با شکست روبرو شد، ولی فعالیت زنان در این دوره به خاطر خصلت مردمی بودن آن فراز جدیدی را در تاریخ جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی کشور ایران، پس از جنگ جهانی اول و دهه‌ی ۱۳۰۰ خورشیدی (۱۹۲۰ میلادی) گشود که در فصل دوم به بررسی آن خواهیم پرداخت.

#### یادداشت‌ها:

- ۱- خسرو شاکری، "اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران" در بیست جلد، تهران، ۱۳۶۴، جلد اول.
- ۲- شایان توجه است که مدتی بعد در سال ۱۳۶۶ خورشیدی (۱۸۸۷ میلادی) زنان موفق شدند که در اعتراض به کمبود نان این راه را بر کالسکه‌ی سلطنتی که ناصرالدین شاه را حمل می‌کرد، ببندند. چند سال بعد (۱۳۷۱ خورشیدی) زمانی که ناصرالدین شاه که در خانه‌ی امام جمعه تهران میهمان بود، زنان در مقابل خانه‌ی امام جمعه اجتماع کرده و به گرانی نان اعتراض کردند. در شورش معروف مردم تبریز در سال ۱۳۷۴ خورشیدی علیه قحطی فراگیر ناشی از احتکار گندم، زنان نقش اصلی داشته و ۸ کشته دادند. در آخر همان سال تعدادی از زنان با تجمع در صحن عبدالعظیم در تهران به گرانی نان و گوشت اعتراض کردند. تحت تأثیر مبارزات زنان

و شرکت آنان در شورش‌های شهری، بی‌بی‌خانم استرآبادی یکی از زنان فعال سال‌های آخر عهد ناصری کتاب معروف "معایب الرجال" را در نقد نقادانه از بینش و اخلاقیات مردها به رشته‌ی تحریر درآورد. تحت تأثیر این کتاب که در اوایل سال ۱۳۷۵ خورشیدی در دسترس مردم قرار گرفت، گروهی از زنان آذربایجان تحت رهبری زینب پاشا در پی یک روبرویی مسلحانه با والی آذربایجان در نزدیکی تبریز درب انبار غله‌ی والی را گشوده و گندم را که به فراوانی احتکار شده بود بین مردم تقسیم کردند. برای دسترسی به مآخذ تاریخی در باره‌ی مطالب مذکور در پیش نویس‌های ۲۰ و ۲۱، رجوع کنید به:

- احمد کسروی، "تاریخ مشروطه ایران".
  - ناظم الاسلام کرمانی، "تاریخ بیداری ایرانیان".
  - مهدی ملکزاده، "تاریخ انقلاب مشروطیت ایران".
  - عبدالحسین ناهید، "زنان ایران در جنبش مشروطه".
  - ابراهیم تیموری، "تحریم تنباکو، اولین مقامت منفی در ایران".
  - یحیی ارین پور، "از صبا تا نیما".
- ۳- در باره‌ی زندگی کوتاه و پراز مبارزات طاهره قره‌العین، رجوع کنید به: معین الدین محرابی، "قره‌العین شاعره‌ی آزادیخواه و ملی ایران"، کزن، ۱۳۶۸.
- ۴- برای نمونه، رجوع کنید به:
- بدرالملوک بامداد، "زنان ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید"، تهران، ۱۳۴۷.
  - فخری قومی، "کارنامه زنان مشهور ایران"، تهران، ۱۳۵۱ و
  - عبدالحسین ناهید، "زنان ایران در جنبش مشروطه"، تهران، ۱۳۶۰.
- ۵- شمس کسمائی در سال ۱۳۶۸ خورشیدی (۱۸۸۹ میلادی) در یک خانواده‌ی گرجی ایرانی ساکن یزد به دنیا آمد. کسمائی با حمایت پدر و سپس شوهرش مدارج تعلیم و تربیت را یکی پس از دیگری پیمود و در بیست سالگی به یکی از رهبران جنبش زنان ایران تبدیل شد. او زبان‌های ترکی آذری و فارسی و روسی را به خوبی می‌دانست و در دهه‌ی ۱۹۱۰ میلادی (۱۳۹۰ خورشیدی) یکی از زنان روشنفکر و دانشمند ایران محسوب می‌شد. کسمائی در سال ۱۹۱۸ همراه همسر و دو فرزندش (صفا و اکبر) پس از سال‌ها دوری از کشور و تحصیل و کار از روسیه به ایران بازگشتند. وی هنگامی که همراه خانواده وارد تبریز گشت چادر بر سر نداشت و شاید نخستین زن مسلمان ایرانی بود که آزادانه در کوچه و بازار تبریز ظاهر شد و به خاطر همین جسارت و آزادی مورد لعن و نفرین بخشی از قشریون و ملاح‌های متعصب قرار گرفت. ولی بعد از دو سال (در ۱۳۹۹ خورشیدی برابر با ۱۹۲۰ میلادی) در زمان حکومت نه ماهه‌ی شیخ محمد خیابانی یکی از دست‌اندرکاران اصلی مجله‌ی فرهنگی و سیاسی "آذیستان" گشت و در آن مجله با فمینیسم (نام مستعار تقی رفعت، سردبیر مجله) و با فمینیست (نام مستعار رفیع خان امین) در باره‌ی حقوق زن و برابری و آزادی مناظرات و مناقشات متعدد داشت. در ضمن شمس کسمائی، شاعری توانا و مورد محبوب بود و اشعار او مورد تمجید و تحسین دیگر شاعران معاصر خود از جمله ابوالقاسم لاهوتی قرار گرفت. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: ارین پور، "از صبا تا نیما"، جلد دوم، سال ۱۳۵۵.
- ۶- در دیگر نقاط ایران نیز زنان در مبارزات مسلحانه علیه "استبداد صغیر" شرکت داشتند. به طور نمونه، در تصرف رشت در ۱۲ بهمن ۱۳۸۷ عذرا کردستانی همراه دو زن مبارز دیگر - آستخیک و لیلا - ملیس به لباس مردانه در کنار مجاهدین مشروطه طلب جنگیده و فداکارانه جان باختند. برای مآخذ، رجوع کنید به: ملکزاده، همانجا، جلد سوم و شیخ الاسلامی، همانجا، صفحه ۸۵.
- ۷- هر چند تعداد این مدارس در اول انقلاب در سال ۱۳۸۵ خورشیدی کم بود، اما چهارسال بعد، در اواخر سال ۱۳۹۰ (۱۹۱۱ میلادی) تعداد دانش آموز دختر به ۳۵۰۰ نفر رسید و پس از آن هر سال بر شمار دانش آموزان دختر افزوده شد و در آغاز سال ۱۳۰۱ بیش از ۱۷ هزار نفر دختر دانش آموز در ایران تحصیل می‌کرد.
- ۸- برای اطلاعات بیشتر، رجوع کنید به:
- جمشید ملک پور، "ادبیات نمایشی در ایران"، در دو جلد، تهران، ۱۳۶۲، جلد دوم، صفحه ۴۸.
  - زانت آفاری، "انقلاب مشروطیت ایران"، صفحه ۱۹۶.

